

شورای هماهنگی بانک‌ها اعلام کرد:

فعالیت همه شعب بانک‌ها از ۲۲ فروردین

در تهران، با در نظر گرفتن ملاحظات زیر فعالیت خواهند داشت. مدیران عامل بانک‌ها در این ایام می‌توانند از آیین نامه دورکاری یا در اولویت قرار دادن افراد معلول، بانوان به ویژه بانوان باردار یا دارای فرزند معلول یا فرزند شش ساله و کمتر و کارکنان دارای بیماری خاص با هماهنگی استانداران هر استان استفاده نمایند.

بر این اساس، استانداران نیز در چارچوب همین بخشنامه اختیار دارند در خصوص نحوه فعالیت دستگاه‌های اجرایی و تعداد کارکنانی که الزاماً باید به صورت حضوری ارائه خدمت نمایند، متناسب با شرایط استان، تصمیم‌گیری کنند؛ بنابراین مصوبات و تصمیمات استانداری‌ها در سراسر کشور ملاک عمل خواهد بود.

ساعت پذیرش مشتریان در طول هفته طبق روال عادی از ساعت ۷:۳۰ تا ۱۳:۳۰ و پنجشنبه‌ها از ساعت ۷:۳۰ تا ۱۲:۳۰ خواهد بود.



شورای هماهنگی بانک‌ها اعلام کرد: از روز شنبه ۲۲ فروردین ماه ۱۴۰۵ تا اطلاع ثانوی، ۱۰۰ درصد شعب بانک‌ها در کل کشور و واحدهای ستادی بانک‌ها در تهران فعال هستند.

به گزارش مهر، بر اساس اطلاعیه شورای هماهنگی بانک‌های کشور، طی اطلاعیه سازمان اداری و استخدامی کشور، از روز شنبه ۲۲ فروردین ماه ۱۴۰۵ تا اطلاع ثانوی، ۱۰۰ درصد شعب بانک‌ها در کل کشور و واحدهای ستادی بانک‌ها

سر مقاله

راهکارهای بازگشایی بورس



محمدرضا اعلمی / کارشناس بازار سرمایه

در شرایطی که اقتصاد با شوک‌های بزرگ و نااطمینانی‌های شدید مواجه می‌شود، نخستین پرسش این است که آیا بازار سرمایه باید بازماند یا برای مدتی متوقف شود. در چنین موقعیت‌هایی توقف کوتاه‌مدت بازار می‌تواند به عنوان ابزاری برای مدیریت شوک اولیه قابل توجیه باشد. به همین دلیل بسته شدن کوتاه‌مدت بازار در لحظه آغاز بحران تصمیمی قابل درک است.

با این حال، تداوم این وضعیت و طولانی شدن تعطیلی بازار به ویژه در شرایطی که بخش مهمی از دارایی مردم در بازار سرمایه نگهداری می‌شود، به تدریج از یک اقدام احتیاطی به یک خطای سیاستی تبدیل می‌شود. بازار سرمایه تنها یک محل دواستد سهام نیست، بلکه بخشی از سازوکار تخصیص منابع در اقتصاد محسوب می‌شود. زمانی که این سازوکار برای مدت طولانی متوقف می‌شود، در واقع بخش قابل توجهی از دارایی جامعه در حالت تعلیق قرار می‌گیرد. در چنین وضعیتی مسأله اصلی دیگر صرفاً نوسان قیمت هائست، بلکه موضوع احق دسترسی به دارایی مطرح می‌شود. حبس دارایی‌های مردم به پهنه محافظت از آنها در برابر افت قیمت، در ظاهر اقدامی حمایتی به نظر می‌رسد اما در عمل می‌تواند نتیجه‌ای معکوس داشته باشد. سرمایه‌گذار باید این حق را داشته باشد که در باره دارایی خود تصمیم بگیرد، حتی اگر آن تصمیم فروش در شرایط دشوار باشد. محدود کردن این اختیار عملاً به معنای انتقال ریسک از بازار به اعتماد عمومی است.

نمونه‌ای که در این شرایط مورد توجه بسیاری قرار گرفته، وضعیت سهامداران شرکت فولاد مبارکه اصفهان است. در حالی که گزارش‌هایی درباره آسیب به برخی زیرساخت‌های مرتبط با این صنعت منتشر شده، بازار سرمایه در حالت تعطیل قرار داشت و سهامداران عملاً امکان واکنش به این اطلاعات را نداشتند. اگر بازار باز بود، حتی در صورت افت قیمت، فرآیند کشف قیمت به صورت طبیعی انجام می‌شد و سرمایه‌گذاران می‌توانستند بر اساس تحلیل و ارزیابی خود تصمیم‌گیری کنند.

در آن صورت کاهش قیمت بخشی از منطوق بازار تلقی می‌شد و کسی نمی‌توانست نسبت به آن اعتراض جدی داشته باشد. اما بسته بودن بازار و عدم امکان فروش باعث شد بخشی از سرمایه‌گذاران احساس کنند سرمایه آنها بدون امکان مدیریت ریسک در معرض آسیب قرار گرفته است. در سال‌های اخیر نیز در کشورهایی که بانک‌های امنیتی یا دیگری‌های نظامی مواجه بوده‌اند، بازارها عمدتاً با مانده اند و سیاست‌گذاران به جای تعطیلی کامل بازار از ابزارهایی مانند محدودیت دامنه نوسان، توقف‌های کوتاه‌مدت معاملاتی یا توقوق سازوکار بازارگردانی استفاده کرده‌اند. فلسفه این رویکرد روشن است: بازار باید بتواند اطلاعات جدید را در قیمت‌ها منعکس کند، حتی اگر این فرآیند با نوسان همراه باشد.

در واقع تعطیلی طولانی بازار اغلب باعث انباشت فشار فروش می‌شود. زمانی که بازار دوباره بازمی‌شود، این فشار به صورت یک شوک بزرگ در قیمت‌ها تخلیه خواهد شد. به همین دلیل بسیاری از سیاست‌گذاران ترجیح می‌دهند به جای بستن کامل بازار، از ابزارهای تنظیمی برای مدیریت نوسان استفاده کنند. ابزارهایی مانند کاهش دامنه نوسان، فعال سازی صندوق‌های تثبیت، توقوق بازارگردانی یا ایجاد پنجره‌های معاملاتی محدود برای سرمایه‌گذاران خرد می‌تواند هم‌زمان دو هدف را تأمین کند: کنترل نوسان‌های شدید و فراهم کردن امکان دسترسی مردم به دارایی‌هایشان. در چنین شرایطی یکی از موضوعات مهم، نحوه بازگشایی بازار است. تجربه‌های مختلف نشان می‌دهد که بازگشایی کامل در گام نخست معمولاً توصیه نمی‌شود و سیاست‌گذاران اغلب از الگوی «بازگشایی تدریجی» استفاده می‌کنند. در این چارچوب صنایع مختلف بر اساس میزان ریسک عملیاتی و میزان وابستگی به زیرساخت‌های آسیب‌پذیر طبقه‌بندی می‌شوند. در مرحله نخست معمولاً صنایعی مورد توجه قرار می‌گیرند که وابستگی مستقیم به زیرساخت‌های آسیب‌پذیر ندارند و جریان درآمدی آنها در کوتاه‌مدت مختل نشده است. شرکت‌های خدماتی، برخی شرکت‌های حوزه فناوری اطلاعات، صنایع دارویی یا شرکت‌هایی که بازار فروش داخلی و پایدار دارند می‌توانند در این گروه قرار گیرند. این صنایع به دلیل ریسک عملیاتی پایین‌تر، گزینه‌های مناسب‌تری برای بازگشایی اولیه محسوب می‌شوند.

در مرحله بعد صنایعی قرار می‌گیرند که از نظر عملیاتی فعال هستند اما با ریسک‌های غیرمستقیم مانند اختلال در زنجیره حمل و نقل یا نوسان بازارهای جهانی مواجه‌اند. برخی شرکت‌های معدنی یا پتروشیمی‌هایی که آسیب فیزیکی نديده‌اند اما با محدودیت‌های لجستیکی یا صادراتی روبرو هستند در این دسته قرار می‌گیرند. در بسیاری از کشورها این صنایع در مرحله دوم بازگشایی می‌شوند و گاهی معاملات آنها با محدودیت‌هایی مانند دامنه نوسان محدودتر یا نظارت بیشتر انجام می‌شود. در مقابل، صنایع زیرساختی و دارایی محور که احتمال آسیب فیزیکی یا اختلال عملیاتی در آنها وجود دارد معمولاً تا زمان روشن شدن وضعیت عملیاتی متوقوق باقی می‌مانند. صنایعی مانند فولاد، پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌ها یا شرکت‌هایی که دارایی‌های فیزیکی گسترده دارند در این گروه قرار می‌گیرند. تا زمانی که اطلاعات دقیقی از میزان خسارت و وضعیت تولید منتشر نشود، قیمت‌گذاری این شرکت‌ها با عدم قطعیت بالایی همراه خواهد بود. در کنار مسأله بازگشایی صنایع، موضوع مهم دیگر دسترسی مردم به نقدینگی در زمانی است که بازار بسته است. در چنین شرایطی چند الگوی سیاستی در تجربه سایر کشورها مشاهده شده است.

یکی از این الگوها ایجاد «بازار اضطراری نقدشوندگی» است؛ بازاری محدود که در آن امکان فروش برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌شود و خریداران معمولاً نهادهای حمایتی مانند صندوق تثبیت یا بازارگردان‌ها هستند. هدف چنین بازاری کشف کامل قیمت نیست، بلکه ایجاد حداقلی از نقدشوندگی برای سرمایه‌گذاران است. الگوی دیگر ایجاد سقف فروش برای سرمایه‌های خرد است. در این روش حساب‌های کوچک در اولویت قرار می‌گیرند و سرمایه‌گذارانی که ارزش پرتفوی آنها زیر یک آستانه مشخص است می‌توانند در یک بازه زمانی محدود بخشی از دارایی خود را بفروشند. برای مثال می‌توان مدلی طراحی کرد که سرمایه‌گذاران با دارایی کمتر از یک سطح مشخص مانند حدود بیست میلیون تومان، بتوانند برای تأمین نیازهای روزمره خود بخشی از سهامشان را نقد کنند.

این فروش معمولاً با محدودیت حجمی انجام می‌شود تا فشار ناگهانی به بازار وارد نشود. مدل دیگر «باز خرید صندوقی» است؛ در این روش نهادهای حمایتی بازار بخشی از پرتفوی سرمایه‌گذاران خرد را خریداری می‌کنند. در کنار این موارد، یکی از راهکارهای متداول «بازگشایی مرحله‌ای بازار» است. در مجموع اگر سیاست‌گذار بخواهد هم از سقوط شدید قیمت‌ها جلوگیری کند و هم مشکل دسترسی مردم به دارایی‌هایشان را حل کند، ترکیبی از این ابزارها می‌تواند کارآمد باشد؛ یعنی از یک سو امکان فروش محدود برای سرمایه‌های خرد فراهم شود و از سوی دیگر بازگشایی بازار به صورت تدریجی و بر اساس میزان ریسک عملیاتی صنایع انجام گیرد.

دبیرکل اتاق بازرگانی ایران:

آمادگی بخش خصوصی برای بازسازی زیرساخت‌ها



دبیرکل اتاق بازرگانی ایران اعلام کرد که ستادی ویژه برای بازسازی بخش‌های آسیب دیده در جنگ تحمیلی در نهاد بخش خصوصی تشکیل شده که آمادگی دارد تا این کار را هر چه سریع‌تر انجام دهد.

ابوالفضل روغنی کلیاتی در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: اولاً ما عملیات خصمانه آمریکا و رژیم صهیونیستی را محکوم می‌کنیم و به خصوص به این دلیل که به زیرساخت‌های کشور آسیب زدند. اتاق بازرگانی طی مدت اخیر ستادی را ایجاد کرده که این ستاد برای دوران پسا جنگ و برای بازسازی و نوسازی آمادگی دارد که کار را شروع کند.

او افزود: ما در جلسه‌ای که چند روز پیش داشتیم این اقدام و گزارش را به وزیر صمت اطلاع دادیم و گفته شد که اتاق این آمادگی را دارد تا با تصمیم سه قوه این اختیار و مسئولیت به اتاق واگذار شود. اول به این دلیل که اتاق چابک است و ارتباطات خوبی برای جذب سرمایه‌گذار دارد و بیشتر از دولت می‌تواند سرمایه‌گذاری داشته باشد.

روغنی ادامه داد: این کار اگر به اتاق واگذار شود مطمئناً می‌توانیم سرعت بیشتری به بازسازی و نوسازی بدهیم و برنامه ریزی بهتری انجام شود. این ستاد شکل گرفته اما به طور رسمی و ساختارمند به دولت پیشنهاد نشده است. ما می‌خواهیم دولت کار نظارت و تسهیل‌گیری را انجام دهد و کار اجرا را به بخش خصوصی واگذار کند.

دبیر کل اتاق تهران تصریح کرد: سرمایه‌گذاران ما آمادگی لازم را دارند تا بخش‌های مهندسی و خدماتی هر چه سریع‌تر کار را شروع کنند.

روغنی همچنین درباره زمان بندی بازسازی‌ها گفت: مدت زیادی از آتش بس نمی‌گذرد و آینده مشخص نیست، اما ما در اتاق برآوردی داشتیم که بخش‌های آسیب دیده را به سه دسته تقسیم کردیم. آن‌هایی که به صورت آبی می‌توان راه اندازی کرد. آن‌هایی که در چند ماه یا حدود یکسال قابل بازسازی‌اند و بخشی هم به بیش از دو سال زمان نیاز دارد. البته این موضوع نیازمند برآوردهای دقیق‌تری است.

تنگه هرمز و بازی با آتش



امنیت این منطقه را تضمین کند. اما ائتلاف پیشنهادی آمریکا در تنگه هرمز فاقد چنین پشتوانه‌ای است و این، آن را به اقدامی خودسرانه و غیرقانونی تبدیل می‌کند. اما مشکل تنها به عدم مشارکت سایر کشورها محدود نمی‌شود. تشکیل چنین ائتلافی بدون مجوز بین‌المللی، خطر نرم‌افزار شدن هژمونی را افزایش می‌دهد. یعنی جایگزینی منافع یک کشور با قوانین بین‌المللی. وقتی قدرتی مانند آمریکا بدون توجه به چارچوب‌های حقوقی، اقدام به تشکیل ائتلاف‌هایی می‌کند که تنها منافع خود را دنبال می‌کنند، در واقع به سایر کشورها این پیام را می‌دهد که قانون تنها زمانی معتبر است که با اهداف آن قدرت همسو باشد. این رویکرد، در تاریخ معاصر نمونه‌های فراوانی مانند جنگ عراق دارد، همواره به بی‌ثباتی و افزایش تنش‌ها انجامیده است.

از منظر راهبردی نیز، عدم استقبال سایر کشورها از این ائتلاف نشان‌دهنده بی‌اعتمادی جهانی به اقدامات یکجانبه است. حتی متحدان سنتی آمریکا مانند کشورهای اروپایی، ترجیح می‌دهند در چنین طرح‌هایی مشارکت نکنند، زیرا می‌دانند که پیوستن به یک ائتلاف غیرقانونی می‌تواند آنها را در معرض تحریم‌های ثانویه، واکنش‌های منفی افکار عمومی و هزینه‌های سیاسی سنگین قرار دهد. این موضوع نشان می‌دهد که جهان دیگر آمادگی پذیرش نظم‌های هژمونیک را ندارد و ترجیح می‌دهد بر اساس قوانین بین‌المللی و اجماع جمعی عمل کند. علاوه بر این، تشکیل چنین ائتلافی می‌تواند پیامدهای اقتصادی جدی نیز به همراه داشته باشد.

تنگه هرمز، به عنوان یکی از مهم‌ترین مسیرهای ترانزیت نفت جهان، نقش کلیدی در تأمین امنیت زنجیره تأمین جهانی ایفا می‌کند. هرگونه بی‌ثباتی در این منطقه، حتی اگر تحت عنوان حفظ امنیت صورت گیرد، می‌تواند به افزایش هزینه‌های بیمه کشتی‌ها، اختلال در تجارت و در نهایت، افزایش قیمت انرژی منجر شود. بنابراین، ائتلاف‌هایی که فاقد مشروعیت بین‌المللی هستند، نه تنها امنیت را تضمین نمی‌کنند، بلکه خطرات اقتصادی جدیدی را نیز متوجه جهان می‌سازند.

تاریخ بارها نشان داده است که نظم‌های پایدار تنها زمانی شکل می‌گیرند که بر پایه اجماع، حقوق بین‌الملل و احترام متقابل استوار باشند. ائتلاف اسکورت تنگه هرمز، که بدون پشتوانه قانونی و با رویکردی یکجانبه تشکیل می‌شود، نه تنها فاقد مشروعیت است، بلکه خطر بازتولید ساختارهای قدرت‌محور را نیز به همراه دارد. جامعه بین‌المللی باید با هوشیاری کامل، از تبدیل شدن به بازیچه منافع کوتاه‌مدت قدرت‌های بزرگ خودداری کند و بر حفظ چارچوب‌های حقوقی تأکید ورزد. تنها در این صورت است که می‌توان امید داشت جهان به سمت ثبات، امنیت و رفاه واقعی حرکت کند—تحت سایه هژمونی، بلکه در پرتو قانون و عدالت.

تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین مسیرهای ترانزیت نفت جهان، نقش کلیدی در تأمین امنیت زنجیره تأمین جهانی ایفا می‌کند.

به گزارش تسنیم، تنگه هرمز، شریان حیاتی انرژی جهان، بار دیگر به کانون تنش‌های ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. این بار، نه به دلیل تهدیدات واقعی، بلکه به خاطر اقدام یکجانبه ایالات متحده برای تشکیل ائتلافی نظامی تحت عنوان اسکورت کشتی‌ها که فاقد هرگونه پشتوانه حقوقی بین‌المللی است. در حالی که واشنگتن این طرح را راهکاری برای تضمین امنیت دریایی معرفی می‌کند، واقعیت این است که عدم مشارکت سایر کشورها حتی متحدان نزدیک آمریکا نشان می‌دهد جهان دیگر تمایلی به پذیرش نظم‌های هژمونیک ندارد.

تنگه هرمز، باریک‌ترین گلوگاه انرژی جهان، جایی که روزانه نزدیک به یک پنجم نفت جهانی از آن عبور می‌کند، همواره یکی از حساس‌ترین نقاط استراتژیک جهان بوده است. هرگونه بی‌ثباتی در این منطقه می‌تواند شوک‌های شدیدی به بازارهای جهانی انرژی و اقتصاد بین‌الملل وارد کند. اما آنچه امروزه این تنگه را بیش از پیش خطرناک کرده تهدیدات واقعی مانند دزدی دریایی یا تروریسم نیست بلکه اقدامات یکجانبه و فراقانونی برخی قدرت‌ها است.

ایالات متحده با پیشنهاد تشکیل ائتلافی برای اسکورت کشتی‌ها در این منطقه، بدون کسب مجوز از شورای امنیت سازمان ملل، در واقع به جای حل مشکل، خود به عامل بی‌ثباتی تبدیل شده است. سؤال اساسی این است: چرا چنین ائتلافی، که ظاهراً با هدف حفظ امنیت دریایی تشکیل می‌شود، با بی‌تفاوتی یا حتی مخالفت جامعه بین‌المللی روبرو شده؟ پاسخ در فقدان مشروعیت حقوقی آن نهفته است.

بر اساس قوانین بین‌المللی، هرگونه عملیات نظامی یا نیمه‌نظامی در آب‌های بین‌المللی، حتی اگر با هدف اسکورت کشتی‌های تجاری باشد، نیازمند مجوز شورای امنیت سازمان ملل است. این اصل در گذشته نیز به اثبات رسیده است. عملیات موفق ضد دزدی دریایی در خلیج عدن، که با مجوز سازمان ملل و مشارکت گسترده کشورها انجام شد، توانست